

(بعضی گفته شده کافی نیست)

رئیس - رای میکردم، آقایانی که مذاکرات را کافی نمی‌دانند قیام فرمایند  
مذاکرات را کافی نمی‌دانند قیام فرمایند  
(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد، پیشنهاد آقای آقا  
میرزا شاهاب قرائت می‌شود

(شرح ذیل خوانده شد)  
بنده پیشنهاد می‌کنم در آخر ماده اضافه

شد و آن متدار جنسی که بوج ماده دو  
تسییر می‌شود از دادن خواری پیچقرا

معاف خواهد بود

عجیب - مادر تنظیم این ماده مقصودمن  
یالمان و طهران و اطراف تهران نباشد و تنا

هین بود و مخصوصاً صافیه کرد، این که (مذیان  
مالیاتی در موقعی که مالیات خود را همین جنس

باشد بهده) در این صورت دیگر صورت نمی  
کنم محتاج بتووضیح اشایان حال باز هم

اگر می‌دارند ممکن است کمیسیون هم قبول  
کند.

رئیس - آقای آقا میرزا شاهاب

(اجازه)

آقای میرزا شاهاب - از این ماده که تنظیم  
شده است همچو مفهوم می‌شود در مواردی

که باید عن جنس بهده یعنی در موافقی  
که کند و خیر اینطور نیست

است ولی خیر اینطور نیست

روحی - بعضی ذنگنه این مملکت و این مردم  
که کند و جو شلتونک باید به دادن بهده

تصویب ندارد که برای آن سه خواری که  
گفت شده تعبیر شود این پیچقرا نهاده

ممکن است مادرین بس از آنکه سخوار  
را فرض از تزار خواری پیچقرا در تومن تسییر

کردند - بگویند خواری پیچقرا در اینکه  
هم علاوه باید بدھی هررا برای اینکه

مطابق ماده سوم قانون میزی که خواری  
پیچقرا از ایامت حمل جنس مین شده باشد

ده تومن قیمت جنس پیچقرا هم برای  
حمل جنس کرایه بدھی از این جهت باید  
آن پیشنهاد را کردم که رفع معظور

شود

مغیر - بندۀ قبول میکنم  
رئیس - پیشنهاد دیگری است از

طرف آقای آقا سید یعقوب قرائت می  
شود

(شرح ذیل قرائت شد)  
بنده پیشنهاد می‌کنم که فرسخی دوغران  
پیش داده شود که خواری چهار قران را خد  
رئیس - آقای آقای یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده ملاحظه می  
کنم همین جنسی را که دولت حمل میکند

واز جاهای دیگر که بهتران می‌آورند خواری  
پیچقرا کرایه نمی‌دهند و گرفت آز

از آقایان استدعا میکنم که پیش از  
این مقدار است سه چهار مالاپاییم و از

این زیرا ماده مذکور فرمایند، جون  
ماشیکن پیچقرا کردم این است که بنده

مذاکرات زیاد در کمیسیون در خصوص  
بنده است چنانکه بکند این را باشد که

این ماده شده است و مخصوصاً اضافه کمیسیون  
آن پیشنهاد بکنم زیرا باز نرخ معین

یکنفر از آن باید گشته باشد

دست غیرب

من که کمان نمی‌گذرد

مذاکرات را کافی نمایند گان - می‌دهند

مذاکرات

دست غیرب

من که کمان نمی‌گذرد

مذاکرات

دست غیرب

## روزنامه‌سری گشوده‌شاپنهاشی

## دوره پنجم

## صفحه ۱۵۴۵

## روزنامه رسمی گشوده‌شاپنهاشی

ایشان را قبل توجه می‌دانند فیما  
فرمایند.  
عده قلبی قیام نمودند)

دینس - قبل توجه شد . بیشنهاد  
آفای رفته .  
(ضدیون ذیل قرائت شد )

بنده بیشنهاد میکنم که ذینون هم  
ماده دعله شود .  
بعضی از نایندگان . در ماده هست .

رئیس خوب اگر هست نظر ایشان  
تامین شده است .  
بیشنهاد آفای کازروندی  
(اینطور قرائت شد )

بنده بیشنهاد میکنم که بنده کاچو جوهم  
شعبه عماقیات شود .

کازروندی . بنده تهدیدی می‌کنم در مدت  
ینجسال این مسئله عملی تغوهاد شده که

اما عاف کنیم یا عاف نکنیم ایکن غرض  
من تذکری است دتفاقاون که ماهل وطن

خودمان مبدیم که بنده چیزی که امروزه  
محل احتیاج دنیا است در فرمودن شد

ما بخوبی عمل می‌آیم و مخصوصاً در  
ینیاب و خوزستان بعضی از نقاط جنوبی

ما بعمل می‌آید .  
بنابر این بنده خواستم بنده تذکری

بهم که این کاچو جو را هم ضممه ناؤن  
کنیم که مردمی که بیشنهاد مند کر شوند

که بوته اش را پیارند و ریاست قاده کلی  
بیرند و این زراعت را احداث کنند و هیچ

ضرری هم بدولت وارد نمی‌آورد .  
عافون و زارت مایه . بنده شبلی خوب

میدانم تمام چیزهایی کهما در خاطر متوانم  
بگذرانیم جزو مفاپات کنیم که هم عایدی

کسرشود و هم مردم را تشویق کرده و هم  
خدمت باقتصادیات این مملکت بشود لبکن

علی العجاله در وزارت مایه و دو گمیسون  
نسبت بهماقیات مذاکره از چیزهایی که

وجود دارد و قابل استفاده است هم از  
جهت کسب و هم از حفظ کنیت شده ولی

ممکن است بعد در نظر گرفته شود و نسبت  
به آن چیزهایی که قابل اعتماد کنند که

در مملکت کاشته شود به تنها کاچو بلکه

یعنی چیزهایی که قابل اعتماد کنند  
ماده باشد .

مختبر . اگر بنده اطمینان داشتم که

بنده بیشنهاد اطمینان داشتم که  
اصلاً مدلی از یک اجناسی باکمالیه ای ای

دینس - از یک اجناسی باکمالیه ای که

بیدامی کرد بنده می‌توانم از طرف

گمیسون قبول کنم ایکن نظائر آن در

ملکت ما زیاد است .  
متلا در یکجا ممکن است مواد اصلیه از قبیل

فلل که در خانه ای اسلام مملکت ما ممکن  
است . اصله صد اصیله باشد آنرا هم باید

ما را زیاد کنند .  
ولی بمقبده من اگر آنها را در این

رئیس آفای رضوی  
(اجازه )

رضاوی . بنده توضیح خود را عرض

کرده ام ولی اینکه آفای مخبر فرمودند که

بنده بیشنهاد میکنم که ذینون هم

ماده دعله شود .  
بعضی از نایندگان . در ماده هست .

بنده بیشنهاد میکنم که بنده کاچو جوهم

شعبه عماقیات شود .

کاچروندی . بنده تهدیدی می‌کنم در مدت

ینجسال این مسئله عملی تغوهاد شده که

اما عاف کنیم یا عاف نکنیم ایکن غرض

من تذکری است دتفاقاون که ماهل وطن

خودمان مبدیم که بنده چیزی که امروزه

محل احتیاج دنیا است در فرمودن شد

ما بخوبی عمل می‌آیم و مخصوصاً در

ینیاب و خوزستان بعضی از نقاط جنوبی

ما بعمل می‌آید .  
بنابر این بنده خواستم بنده تذکری

بهم که این کاچو جو را هم ضممه ناؤن  
کنیم که مردمی که بیشنهاد مند کر شوند

که بوته اش را پیارند و ریاست قاده کلی  
بیرند و این زراعت را احداث کنند و هیچ

ضرری هم بدولت وارد نمی‌آورد .  
عافون و زارت مایه . بنده شبلی خوب

میدانم تمام چیزهایی کهما در خاطر متوانم  
بگذرانیم جزو مفاپات کنیم که هم عایدی

کسرشود و هم مردم را تشویق کرده و هم

خدمت باقتصادیات این مملکت بشود لبکن

علی العجاله در وزارت مایه و دو گمیسون

نسبت بهماقیات مذاکره از چیزهایی که

بیدامی کرد بنده می‌توانم از طرف

گمیسون قبول کنم ایکن نظائر آن در

ملکت ما زیاد است .  
متلا در یکجا ممکن است مواد اصلیه از قبیل

فلل که در خانه ای اسلام مملکت ما ممکن  
است . اصله صد اصیله باشد آنرا هم باید

سکنی میزند .  
سکنی ما باید در دنیا که امروزه ذهنگی  
کنیم .

رضاوی . بنده توضیح خود را عرض

کرده ام ولی اینکه آفای مخبر فرمودند که

بنده بیشنهاد را کوچک کردیم؟ برای اینکه

او لاگذشت از از زراعت که در ایران تاکنون

صدارات مملکت ایران را مثل دوزه اسال بیش

نارام دستوری بیشتر بخواسته ایم از

اصفهان و شیخ زرا برخیزه بخارج حمل میکنند و

از این جهت بنده بازهم عرضی کنیم که

باشد دیگری که باشیم بلکه خواسته ایم این

در راهه شدش فوشه شده بود که از این

واحدات ای اگر برخیزه بخارج حمل میکنند

که در موضع توتوون و تباک کو در گمیسون

مذاکره می‌کرد عرض کرد و تصور میکنند

که این یکی از چیزهایی که این راهه شد

بنده بیشنهاد باشد .  
بنده اینکه این راهه شد

مثلاً در این موضع که در این موضع

مذاکره می‌کنند این راهه شد .  
بنده اینکه این راهه شد

مذاکره می‌کنند این راهه شد .  
بنده اینکه این راهه شد

مذاکره می‌کنند این راهه شد .  
بنده اینکه این راهه شد

مذاکره می‌کنند این راهه شد .  
بنده اینکه این راهه شد

مذاکره می‌کنند این راهه شد .  
بنده اینکه این راهه شد

مذاکره می‌کنند این راهه شد .  
بنده اینکه این راهه شد

مذاکره می‌کنند این راهه شد .  
بنده اینکه این راهه شد

مذاکره می‌کنند این راهه شد .  
بنده اینکه این راهه شد

مذاکره می‌کنند این راهه شد .  
بنده اینکه این راهه شد

مذاکره می‌کنند این راهه شد .  
بنده اینکه این راهه شد

نایابیه اقتصادیات و ثالثاً بمالیات دولت  
سکنی .

امساً لازمست عرض کنم که این  
وایلد ترتیبی بدینم تا بتوانم با اینکه

دنبی رفاقت کنیم والا گریغه بخارج و جزو  
ذرات مملکت ایران را مثل دوزه اسال بیش

نارام دستوری بیشتر بخواسته ایم از

در مملکت معقول کنیم شرط بیجاممه و ملت زده ایم

لطف اقتصادیات یاک چیزهایی را ایم که  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

و برخیزه بخارج حمل میکنم که این زراعت  
بیکم که این زراعت های را ایم در گلستان

بنده بیشنهاد یک میکسیون قرائت میشود  
خاصی دارد و نیشند بوسیله یک پیشنهاد

آن را لغو کرد .  
مقدبز . نایابه مفتخر معمول در کمیسیون هم

وزیر از ا







روزنامه رسمی گشور شاهنشاهی

پرای هر خانواده یک نفر شتر، اینجا برای هر خانواده یک گاو ماده شیرده استثنای کنند در خبر سابق دونا نوشته‌اند حالا اینجا یکی کرده‌اند باز باشد این راهم بنده عجالاً حرفی نمی‌زنم ولی درین استثنائی که سابق کرده بودندیک بیش بینی خوبی کرده بودند گویا این جا فراموش فرموده‌انه (امیدوارم فراموشی بوده) آنجا نوشته بودند گاوماده شیرده دورآس و در بین‌الهالابین هم نوشته بودند یا بیای آن میش و برخاده درآس با پنج رأس، این چاف‌امو شده‌حال‌البند نمی‌دانم مقنطیبات آوفت چه بوده که حال‌افراموش شده همه‌جا آب و هوایش یک ورنیست یک جامقتنی است گویند و بزرگی دارد که میتوانند همان زندگی کنند هم را دارد.

یک قسمت می‌سکت فقط طور پست که علوفه و کوهستانش میتواند بزومیش را نگاه دارد، گاومیش و ماده گاو را کمتر و در یک قسمت برعکس است بزرگ و گویند را سکت میتواند نگاهدارد حالا چون قسمتهای این مملکت این طور است دولت یا کمی‌بون مالیه آمده و ترجم کرده یا هرجا اینش را می‌خواهند بگهارنه یک استثنائی فائل شده نوشته‌اند پنج بزیک ماده گاو یک مادیان یک اسب همان‌طوری که اینجا شرح داده شده از این‌ماده که نازه نوشته، اند آن‌جاهایی که استعداد از این‌ماده که نازه نوشته، اند آن‌جاهایی که استعداد هر دوی این‌اد را را در ازه، استفاده می‌کنند ولی این‌جاهایی که فقط استعداد پرورش نیک‌قسمت را دارد بواسطه بدی آب و هوا از بکش استفاده مو کنند یعنی اگر یک حانی پنج بزداشت مستقیم است یا اگر یک ماده گاوداشت و بزنداشت فقط همان یک گاو مستثنی است ولی آن ترتیبی که سابق نوشته بودند برای مردم بهتر بود، برای دولت برای این مردم که از اول دوره پنجم تا بعال اینهه مالیات را برای آنها تعیین کرده ایم، حالا خواهید دید سال‌گذار چه انقلابی در این مملکت بود، می‌شود افلا، همان ترتیبی را که بیش نوشته بودند آفای مخبری را معاون قبول کنند و شده هم پیشنهادش را داده‌ام که در این تبصره سوم سوم که نوشته شده، «مالکین حیوانات از پرداخت مالیات عدم حیوانات ذیل معافند هر خانوار، شتر بکنفر، بز و بیش پنج راس، مادیان واسب و قاطر والاغ یک راس، ماده گاومیش یک راس، بعد از این در بین‌الهالابین می‌شود

دولت بیشنهاد کرده بودشتر را داده از فران دو سکمی‌سون بعضی آقایان که شرکت نکرده‌اند در خارج همیشه داشتند که مادیان واسب را ماما اگر بیشتر از شتر حساب نه کنیم کمتر نمی‌توایم حساب کنیم حاشیه شتر قیمتیش کمتر از کره مادیان است، شتر دوسال یک مرتبه حاشیه می‌دهد مادیان سالی یک مرتبه راست است شتر از بعضی حیثیات خرچش کمتر است ولی آفت و صده اش هم زیادتر است و معتقد بودند که اگر چنانچه مادیان مالیاتش زیادتر از شتر بسته نمی‌شود کمتر فلسفه‌ندارد ولی بالآخره اثربیت کمی‌سی‌سون همچو صلاح دانست که شتر را یک تومان مادیان را هشت قران معین کنند و این بمنظارشان رسیده تهدیل کردند و بنده هم هر ض کردم رئیس - آفای فاسید بعقوب - بلی آفاسید بعقوب - بلی رئیس من ورد، سابق را که در خارج نوشته اید مراجعت می‌کنم، اینجا موافق نوشته شده است آذا سید بعقوب - بعد ماده‌را خرابش کردند که شتر را یک تومان مادیان و قریبه استعداده، تاصدهز از این ده‌هزار تا گوسفند دارد درده هم می‌بینند تروتی که رعایای این ده دارند یا مرتعی که دارند امروز دارای دوهزار گوسفند است این دوهزار گوسفند از قرار میشی یک قران و بزرگی بانزده شاهی مالیاتش را تشبعیش می‌دهند و بگویند فرضاصدو پنجاه تومن این مالیات گوسفند این آبادی است تا پنج سال دیگر تاهفت سال دیگر و بطور جمعی این صد و پنجاه تومن را از حیوانات این آبادی مطالبه می‌کنند امروز من مالک این حیوان فردا من پریشان شدم آغا مالک حیوان است پس فردا زیدمالک حیوان است هر ساله مباشرده خودشان در داخله ده یا آن قریبه با شیره، یا احیله، می‌وزی می‌کنند و آن حقوقی که باها تعلق می‌گیرد می‌هند فرمودند ممکن است تلف شود و آفت پرسداین هم در ماده دیگریش بیش بینی شده که اگر تا مقدار نصف تنزل کرد پس اضافه آن مقدار یکه می‌وزی کرده اند شد وزارت مالیه با ودی مالیات هر دو حق می‌وزی دارند و این نظر تأمین شده یک فرمایش دیگرهم فرمودند راجح باینکه مالیات بعضیها زیاد شده از قبل مادیان و شتر و اینها آفای معاون مالیه شرحی اینجا بایان فرمودند که مادر تغییر دادن مالیات قدم رجوع به مالیاتها و دفاتر قدیمان کردیم که اگر شکلش عوض شده، مالیاتش تغییر نکند، منتها ظالمانه بود هادلاه بشود.

اساسی در مالیه مملکت خواهند کرد پل‌جمله فرمودند راجح بمعجزی حیوانات یعنی اعتراض داشتند باینکه (میزی حیوانات نسبت بیک قسمت ویا راه و بلوک ویا طائفه و عشبره بطور جمعی خواهد بود) فرمودند مالیات جمعی غلط است، مازده، این نظر که هر روز مأمور مالیه فرمودند میزی بکند و هر سال اسباب ذهنیت برای حیوان دارها درست بکند دیدیم اگر خواسته باشیم مالیات را بطور فردی فرار بدهیم فقط مودی مالیات حیوانات سال اول که تشبعیم داده می‌شود تا آخر سال هفتم همان مالیات را پیردادزد این ظلم امانت و همان معظورانی را که فرمودند بیش می‌آید، من امسال هزار گوسفند دارم سال بعد گوسفند را می‌فرمایم یا گوسفند میرد آنوقت مالیات را از شخص من مطالبه می‌کنند و این یکی انصافی است و اگر خواسته باشیم اجازه بدهیم بهامور مالیه که هم ساله پیش داشت، ماری بکند و گوسفند پانزده شاهی بگیرد اینهم اختیار زیاد بهامورین مالیه دادن اسباب ذهنیت برای مردم درست می‌کرد، خواسته بمقابله امسال که درست ممیزی کرد که مرتع این آبادی و قریبه استعداده، تاصدهز از این ده‌هزار تا گوسفند دارد درده هم می‌بینند تروتی که رعایای این ده دارند یا مرتعی که دارند امروز دارای دوهزار گوسفند است این دوهزار گوسفند از قرار میشی یک قران و بزرگی بانزده شاهی مالیاتش را تشبعیش می‌دهند و بگویند فرضاصدو پنجاه تومن این مالیات گوسفند این آبادی است تا پنج سال دیگر تاهفت سال دیگر و بطور جمعی این صد و پنجاه تومن را از حیوانات این آبادی مطالبه می‌کنند امروز من مالک این حیوان فردا پس اینکه زیرا مأمورین مالیه و قبیله طرف باشند پامرد آنها را از کسب و کار بیکار می‌کنند و باید این طرز عمل مالیاتی را که این طرز دیگریش کمیزی کریم که عمل زراعت و حیوانات را اینها در آن نباشد و بروند بی کارشان بعییده بنده و قبیله مالیات تعیین می‌کنند که طرحی برای این کار تهیه کنیم که این مالیاتها را لغو کنیم و بجای آنها یک طرز دیگری اتخاذ کنیم نهایم پس باید همین را امروز یک اصلاحات درش بکنیم و در طرز قدیم که در مالیاتها دولت ساقی‌آمده‌امه می‌گردد اغلظه احقیقته در نظر بگیریم و اصلاح کنیم ناید آنها هم البته و کلاهی دیگر که من آیند آنها هم البته و انظف اصلاح مملکت موافقند و یک اصلاحات

برای اینکه بیکدهی که پنجهزار گوسفند  
دارد مالک اینها سه قرچهار نفر است این  
دمرا میروند ممیزی می گذشتند می بینند  
پنجهزار گوسفند دارد آنوقت از این ده  
میگیرند یعنی چه؟ یعنی از تمام اهل ده  
می گیرند  
البته وقتی جمعی بشود واژه بیکرنده  
اسباب زحمت خواهد شد و مستلزم ظلم  
خواهد بود  
اصولاً بینده معتقدم که مالیات حیوانات  
و مراع و مواشی باید بطور غیر مستقیم  
گرفته شود که هر کس که مالکش است  
از او گرفته شود یعنی ترتیب شده مال  
مرتب و منظم باشد و نمی شود حدش را  
پنجسال یاده سال قرارداد را باتفاق قرار داد  
بودند که طرفین بعد از پنجسال حق دارند  
تجدید نظر بخواهند و عجلات این حد را  
برداشته اند  
بهمن دلیل بود که نوشته بود دره  
پنجسال حق دارند تجدید نظر گفته بینده  
هرض می کنم این فرق دارد با اراضی و ملک  
زیرا وقتی مالک ممیزی شد مالیات گیرند  
همه ساله میروند از آن ملک مطالبه میکنند  
و با انتیع مالکش معاون می شود و اقامی که  
ولی در مراع و مواشی و گوسفند باشند  
همه ساله حق داشته باشند تجدید نظر که  
میکنند همه اینها بیکرنده ممکنست بفرود  
ممکنست از این ده بده دیگر متفقل بشوند  
یا اصلاح این بروند  
آنوقت چطورد ممکن است که دره  
ساز در صورتی که گوسفند ها هم تله  
بنده بنا به همان فله که دره داشت پنجسال  
قابل می شوند که طرفین حق تقاضا  
تجدید نظر دارند همان فلسه موجب اس  
که هر سال بمالیه و مودی مالیات حق داده ش  
که اگر بخواهند تجدید نظر بگذشند یعنی ا  
در صورتی است که بخواهند مالیات عادل باشند  
باشد که گوسفند تلف شده را مالیات  
نگیرند و اگر گوسفند تلف شد مطابق  
نشود و اگر هم زیاد تاف شد مالیات  
زیاد گذند  
با این احتمال یا ستری همه ساله حق تقاضا  
تجدید نظر بهردو طرف یعنی هم به  
وهم بموی مالیات داده شود این را نمی  
در عدای ملک فرادراد زیرا پنهان میگردند  
ملک مالکش معین می گردد ولی گوس  
میکنند است اساساً از این بروند  
دیگر اینکه این تبصره اول در  
سابق نوشته شده بود مالیات فوق بجهو  
تعلق می گیرد که در شهرها توافق ماده  
نمیدهند و شتر اسب و قاطر والاغ که به  
و نقل اشغال دارند از اداء آن مال  
ممکنند  
آن خبر سابق حال فقط تبدیل شده  
بنمان جمله اول و نوشته شده است  
مالیات فوق بجهو انانی تعلق خواهد کر

رئیس - تصویب شده را پر که می بینند  
قوانین مالیه راجع به ماده هفت مطرح است  
ماده شش در جلسه سابق تصویب شده  
است .

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده هفتم - مالیات حیوانات بر از ذیل  
دریافت خواهد شد

شرط علاوه بر سه ساله قران ، مادیان سه ساله  
هشت قران ، اسب ساله شش قران ، قاطر سه  
ساله شش قران ماده گاو ساله پنج قران ، ماده  
گاو بش سه ساله پنج قران ، الاغ سه ساله  
پیکران ، بیش دو ساله پیکران ، بیش دو ساله  
پانزده شاهی

تبصره ۱ - مالیات فوق بجهو انانی تعاقب  
خواهد گرفت که توافق ماهیانه امده همه  
تبصره ۲ - هوامل زراعت از قبیل گاو  
کار و گاو بش نر والاغ واسب و قاطر که  
بخش پسته شود و احتیاجات زراعتی را  
مرتفع سازد و از تادیه مالیات معاف  
است .

تبصره ۳ - مالکین حیوانات از پرداخت  
مالیات عدم حیوانات ذیل ممکنند

هر خانوار ، شتریکنفر ، بز و بیش زیج  
راس ، مادیان واسب و قاطر والاغ بکار اس  
ماده گاو و یا ماده گاو بش پیکران

تبصره ۴ - ممیزی حیوانات نسبت بیک  
قریه و باقراء و بلاؤک و باطایه و باعشهه به  
طور جمعی خواهد بود و مالیات بطریق فوق  
همه ساله مأخذمی شود .

رئیس - آفای دائمانی

(اچاره)

دامغانی - این ماده در خبر سابق که  
آمد بنده میدیدم که خبلی از آفایان مخالفند  
بر گشت بکمبیون و متسانه حالا خبلی  
شیدنتر آمده اولاً بنده در طرز عمل این  
ماده فکر میکردم و اشکال داشتم که  
چهار رعلی خواهد شد

آیا این ممیزی جمعی خواهد بودیا  
فردی؟ یعنی در هر دهی که پنجهزار گوسفند  
دارد میروند ممیزی می گذند و از  
همان صاحب گوسفند خواهد شد گرفت یا  
اینکه این ده را بطور کلی ممیزی میکنند  
و آنوقت هر سال می آیند از همه ده  
می گیرند

هر دو قسمیش بمنظور خبلی مشکل میشود  
اما آن تکل اوش که فوری بود چون پنج  
سال قرارداده بودند ممکن بود این صاحب  
گوسفند بفروشید یا گوسفندش تاف شود  
آنوقت همه ساله می آیند مطالبه می -  
گذند

از طرفی طوریکه کمپیون اینجا دارد  
نظر گرفته میتوسد .

ممیزی حیوانات نسبت بقریه باقراء  
یا بلاؤک و باطایه باعشهه بطور جمعی خواهد  
بود و مالیات بطریق فوق همه ساله مأخذ  
میشود این بعده بنده ظلمش بیشتر شده

بسیار خوب حلالامانعی ندارد آفایانی  
که مایل هستند باشکه مالیات توتوون و تباکو  
قسم ارضی آن ازین برداشته شود

(دیروزهم عرض کردم) با کمال افتخار  
حاضریم دفاتر احصایه ، نوشتگات برآورد  
سنوات گذشته ، هذه السنة چاری تمام اینها  
را بگذاریم جلو و بینهم خساراً اتمان چقدر  
است . هر رف محلی چقدر است . چقدر  
کشت می شود در پنج سال پیش چقدر  
میشده .

حالا که بفرمایید کسر شده است و  
اراضی زراعت افتاده است چقدر کم شده  
است تمام اینهارا با ارقام صحیح در نظر  
آفایان میگذاریم شاید آنچه را که در نظر  
میگیرند همچو باشد که باید بیشتر از این  
بیشنهاد شود و شاید از احاظ اقتصادی و  
رعایت امور اقتصادی مملکت همچو لازم  
شود که دفعه ای دیگری هم در آن بشود  
شاید هم همچو صلاح دیدشود که باید عملی  
المجاله همین طور گذاشت .

در هر صورت مقصود عرض بنده این  
است که بیک امری با مطلعه بشود اگر آفایان  
در اینجا بیک رانی صادر بفرمائید البته مطاع  
است و فوراً بموقع امرا کذارده میشود  
و اینکن ملاحظه بفرمائید که نسبت بامور  
مالیاتی معمول همه جای دنیا این است که قبل  
از این که رای داده شود از روی احصایه و  
ارقام دفاتر و صورت کم و بیش آن دیده  
می شود بعد رای داده میشود و الامجلس هر  
رائی بدهد البته اطاعت میشود

اما می - بیک دفعه دیگر قرائت  
شود .

(شرح سابق قرائت شد)

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه  
بودن این تبصره تقاضا شده است با ورته  
رای گرفته شود قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

امضا گفند گان ذیل تقاضا میگذرم در  
تبصره رای باورقه گرفته شود .

سلطانی دس غیب عدل مزارعی  
بعقوب المسوی .

سلطانی - بنده پس میگیرم  
رئیس - آفای سلطانی پس گرفته شده  
بنابر این دیگر رای باورقه موضوع ندارد  
رای می گیریم بماده پنج آفایانیکه موقوف  
قیام فرمایند

(غلب بر خاستگذ)

ضباء - بنده اخutar دارم  
رئیس - اشتباه شد آفایانیکه  
ضباء - آقا بنده اخutar کردم  
رئیس - قبل از اغطار جنابهالی بنده  
خودم هر ض کردم رای میگیریم بقابل توجه  
بودن تبصره بیشنهادی آفای آفایانیکه موقوف  
آفایانی که قابل توجه میدانم قیام  
فرمایند .

(عدم برخواستند)

بیز ائمه تاعییناتی را که برای سال آنیه  
بیش بین شده نانین بکند والا نکس زیادی  
در راهیات بیدار نباشد از این لحاظ بود که  
کمیسیون نادوات موافقت کرد و این ماده  
جدیداً تقدیم کرد

زیوس - رای میگیرد بقابل توجیه بودن  
بیشنهاد آنای افسر آفایانی که موافقه  
قیام فرمایند

(عدم براحتی)

رئیس قابل توجه نشیدند که دیگری  
از آفای اسمنیل خان قشائی

(اینطور خوانده شد)

بنده بیشنهاد میکنم شتماد و مادیان  
و گاو ماده والاغ ماده پرس ازچه ارسال :

ماده گلچهار قران ماده الاغ دو قران

شتر ماده هشت قران ماده الاغ هشت قران

بز از تده شاهی پرس از قران ماده بدهد

کلیه نز از مالیات معاف باشد جاز

نوافل که در هر چهار میدهند

زیوس - آفای قشائی تو پیج بدیده  
و شفای خرس بند مخالقتم نهاد نقطه

نظر مخالفت بالایه دوات است بالکمی خواستم

اصلاحات راعرض کنم - چون آفای فرزین

در سایر علوم البته ازینه باصره است و ای

در بز بند از ایشان ابصرا هستم و بیهی هم ندارد

جزر کاربنده این است \*

اینکه آفای معبر فرمودند در خارج

از بینها اطلاع بیدار کرد اندیک قسمت

حمد نظرشان بینه است و قسمت بکمیش

را گرفته اندولی قسمت و لکش را که

کفتم ول نکردن معمول ایلانی راموال

کردن بند هر چهارم از الاغ نوشتر ازو

گوشنده نرمالیات نیکرند ول از الاغ

ماده مطابق اچهار بز و میش مالیات میکرند

از گاو ماده مطابق جوار بز و میش

میگردند

از مادیان و از شتماد مطابق ده اس

بز و میش مالیات میکرند حلال ماده را آن

میزان نوشته اندورش راه افزوده اند

شتر باندازه مادیان مالیات بدهد بیچ

فلسفه ندارد مگر اینکه بعضاً آفایان می

گویند یکی ایشان از مادیان بز رکرت است

و یکی ایشان کردنش گجرت و کله اش کشیده

تر است. والاشتر دو سال یک مرتبه بز ای

مادیان سالی یک مرتبه بز ای

شتر خطر جایش بیش از مادیان

است مرض مکرر و میش بیش از مادیان است

نفع کتر است مکرر نوش که آنهم ص

چال مالیات میدهد و اوقای میدهد باعده

کلی بولوت مرساند کسی که شتر

شتر ایلخی نگاه میدارد نیتواند شتر

ماده نگاهدارد کسی که شتر ماده نگاه می

دارد نیتواند شتر نز نگاهدارد نو را باید

چار و اراده نهاده از این لحاظ بود

ایش نگاهدارنده منتهی برای تزاد گرفتن

برای تسلیم یکی دو نیشاد که دارند

نگاه بدانند بیشتر نهادند تکه دارند

زیوس - عقبه کمیسیون چوست  
میبدند مخبر - موافق ندارد  
زیوس رایی که بکریم بیشنهاد آنی  
تامین شده و اگر چنانچه قائم نمی شوندو  
نظامی آفایانو گفایانه قابل توجه شد و  
قیام فرمایند

(عدم کمی برخاسته)

زیوس - قابل توجه عاید پرده اما کدام

آفای افسر به جز عجزی هم شود بیشنهاد

مفصل بین مادر و مادر و میش  
کرد ماده کماده هفت راهی از شتر شر کلای

قواین مایل بجای این ماده بول شود ماده

نیخور داروز که من آمد مردم فتن چهار خوار

که بیست توانی می ازدز

(بشرط ذیل خوانده شد)

ماده ۷ - مالیات مراع و مواشی بقار

ذیل تعاق خواهد گرفت

شتر علاوه به سال - ۲ قران مادیان

علاده بر سه سال ۵ قران اس ۴ قران

قاطر ۴ قران بزماده و میش علاوه یک

دراین ذایون میبری مالیات دیگر خواهد

فرموده بخاری

الغات بفرمایند امروز ببینید

زیوس - آفای افسر بفرمایند

قابل توجه شد بیشنهاد آفای

(عدم برخاسته)

زیوس - قابل توجه شد بیشنهاد آفای

ذیل توشه شود

زیوس نهاد میکنم که ماده ۷ پرتبی

زیل توشه شود

زیل توشه شود</







